

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: ۷۸۸۶۴ Article Cod: Y6SH19A192 ISSN-P: ۲۵۳۸-۳۷۰۱

بررسی مسئولیت مدنی دولت انگلستان در صورت خروج از اتحادیه اروپا در پرتو مصوبات اتحادیه اروپا

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۱۲/۱۸)

افسانه دولت آبادی

کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی

دکتر حسن بدری

استادیار و مدیر گروه حقوق موسسه آموزش عالی بیهق

چکیده

توافق خروج بریتانیا از اتحادیه اروپایی موسوم به برگزیت و امضای موافقت نامه تجارت و همکاری میان طرفین، چارچوب آینده همکاری های بریتانیا و اتحادیه اروپایی را تبیین و مشخص می سازد. با توجه به این که بریتانیا دومین قدرت اقتصادی اتحادیه اروپا بوده و عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد می باشد و نظر به تنیدگی ها و پیوستگی های اقتصادی و تجاری ایجاد شده میان طرفین در طی بیش از سه دهه گذشته، خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا برای این کشور و اتحادیه اروپا پیامدها و تبعات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت خواهد داشت. بریتانیا، مزیت های تجاری و مالی خود را در سطح جهان از دست خواهد داد و روابطش با اتحادیه اروپا محدودتر خواهد شد. اتحادیه اروپا نیز بدون بریتانیا کوچک تر و ضعیف تر شده و چنانچه مقامات اتحادیه نتواند جایگزین مناسبی برای بریتانیا برای عضویت در اتحادیه پیدا نمایند، از نفوذ سیاسی و اقتصادی آن در عرصه بین المللی نیز کاسته خواهد شد. این پژوهش با هدف بررسی مسئولیت مدنی دولت انگلستان در صورت خروج از اتحادیه اروپا در پرتو مصوبات اتحادیه اروپا نگاشته شده است.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، دولت انگلستان، مصوبات اتحادیه اروپا

مقدمه

برگزیت^۱ به معنی خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا در پی یک همه‌پرسی در سال ۲۰۱۶ برای خروج از اتحادیه اروپا، دولت بریتانیا اعلام کرد در ۲۹ مارس ۲۰۱۷ رویه رسمی برای خروج را آغاز خواهد کرد. در نهایت بریتانیا روز جمعه ۳۱ ژانویه سال ۲۰۲۰ میلادی ساعت ۱۱ شب به وقت محلی از اتحادیه اروپا جدا شد. قرار است از آغاز فوریه ۲۰۲۰ یک دوره انتقالی ۱۱ ماهه آغاز شود و برپایه آن بریتانیا به یک توافق تجاری طولانی مدت با اتحادیه اروپا دست یابد. تا آن زمان قراردادهای موجود تجاری میان طرفین به قوه خود باقی خواهد ماند. خروج از اتحادیه اروپا هدفی سیاسی بود که از سوی افراد، گروه‌های مدافع، و احزاب سیاسی در بریتانیا از زمان پیوستن آن به اتحادیه اروپا در سال ۱۹۷۳ پی گرفته می‌شده است. خروج از اتحادیه اروپا بر پایه معاهده اتحادیه اروپا از حقوق کشورهای عضو آن است. اتحادیه اروپا بر اساس چهار آزادی یعنی آزادی جابجایی انسان، کالا، خدمات و سرمایه بنا شده و مفهوم شهروندی اتحادیه یکی از مفاهیم کلیدی آن است. انگلیس با خروج از اتحادیه اروپا این چهار آزادی را از دست داده و شهروندان آن نیز حقوق شهروندی خود در اتحادیه اروپا را واگذار خواهند کرد. بدین ترتیب به نظر می‌رسد تنها بخش مهم برای دولت انگلیس حفظ معافیت گمرکی بین دو قلمرو بوده باشد که تا حدی به آن دست یافته است. از روز اول ژانویه ۲۰۲۱ تعرفه‌های گمرکی بین انگلیس و اروپا مانند سابق صفر خواهد بود. دو طرف روی حفظ مقررات مشابه برای ایجاد فضای رقابتی و عادلانه یا به اصطلاح «زمین بازی هموار» توافق کرده‌اند. در زمینه همکاری امنیتی، اروپا شرط رعایت حقوق بشر را قرار داده است به این ترتیب که این همکاری‌ها تا زمانی ادامه خواهد یافت که انگلیس به رعایت حقوق بشر در داخل کشور متعهد باقی بماند. همکاری‌های دفاعی در این سند مورد توافق قرار نگرفته است، عمدتاً به دلیل اینکه انگلیس تمایلی به گفتگو در این زمینه نداشت. همچنین همکاری مشترک در زمینه سیاست خارجی نیز با خروج انگلیس از اتحادیه اروپا به پایان می‌رسد و از هم‌اکنون هیچ همکاری مشترک در عرصه سیاست خارجی از جمله امکان تحریم مشترک یک کشور ثالث وجود نخواهد داشت.

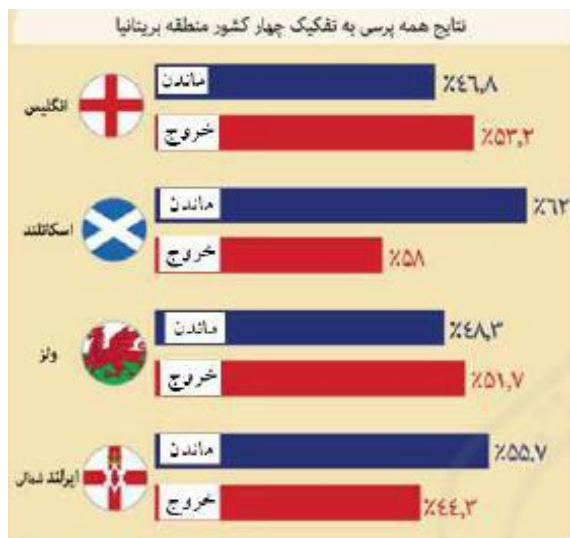
^۱ British" and "exit" Brexit

مبحث اول - مبانی نظری پژوهش

گفتار اول - چارچوب نظری پژوهش

خروج یک کشور عضو اتحادیه اروپا از این اتحادیه که تنظیم کننده قواعد در حوزه های مختلف امنیتی، حقوق شهروندی، مهاجرت و مسائل اقتصادی است و همچنین تسهیل کننده عبور و مرور کالاها و خدمات بر اساس قوانین بازار واحد است (آمانیدو، ۲۰۱۹) امری بی سابقه است. البته در گذشته در یونان نیز مسئله خروج از اتحادیه اروپا مطرح شد، اما اراده و عزم قوی برای انجام فرآیند خروج وجود نداشت. با این حال این رویداد میراثی را در ادبیات روابط بین الملل به جا گذاشت که در واقع همان واژه «گرگزیت» بود. واژه «برگزیت» نیز از همین واژه الهام گرفته شده است (بیات و کلانتری، ۱۳۹۷). برای سالها روابط بریتانیا و اتحادیه اروپا به صورت نه چندان محکم و گاهی پرتنش ادامه داشته است. در طی این مدت، همواره لندن به وسیله عدم اجرای برخی سیاستهای اساسی اتحادیه اروپا فاصله خود را از این اتحادیه حفظ کرده است. از جمله آن سیاستها می توان به پول واحد یورو و سیاستهای اتحادیه اروپا در خصوص کنترل مرزها ذیل معاهده شنگن^۱ اشاره کرد (مک براید، ۲۰۱۹). این تنش ها در طی سال های متمادی ادامه داشت تا این که دیوید کامرون، نخست وزیر سابق بریتانیا، با ذکر دلایلی از جمله اشاره به مسئله مهاجرت، پیش از انتخابات سراسری سال ۲۰۱۵ به مردم وعده همه پرسی برای خروج از اتحادیه اروپا را داد (کامرون، ۲۰۱۵). در ۲۳ ژوئن سال ۲۰۱۶ میلادی (سوم تیر ماه سال ۱۳۹۵) همه پرسی برگزار شد و ۵۱.۹ درصد از بریتانیا خواهان خروج از اتحادیه اروپا شدند. به تفکیک مناطق مختلف بریتانیا نیز این همه پرسی قابل بررسی است. در انگلستان ۴۶.۸ درصد رای به ماندن دادند که در طرف مقابل ۵۳.۲ درصد رای به خروج دادند. اما در خصوص سایر مناطق اوضاع متفاوتی را شاهد بودیم. به گونه ای که در ایرلند و همچنین اسکاتلند مردم رای به ماندن در اتحادیه اروپا دادند که این مسئله می تواند زنگ خطر تجزیه بریتانیا را برای این کشور به صدا در آورد. نتیجه همه پرسی به تفکیک مناطق بریتانیا به شرح زیر است:

۱ Schengen Treaty



گفتار دوم- روند همگرایی اتحادیه اروپا

شاید دور از تصور نباشد اگر ادعا شود که با شنیدن عبارت «همگرایی» نخستین مصداقی که به ذهن هر مخاطبی خطور می کند «اتحادیه اروپا» است. فارغ از بحث طبیعی یا غیرطبیعی بودن روند همگرایی در اروپای غربی و سپس در قاره اروپا، این یک واقعیت انکار ناپذیر است که دولتهای اروپایی، بیش از هر منطقه دیگری در جهان، در مسیر عبور از مرزهای دولت ملی به سمت نهادسازی منطقه ای و تبعیت از اقتدار فراملی پیش رفته اند. بدین ترتیب، دولتها تحت تأثیر انگیزه ها، نیروها، اهداف و منافع، در حالت همکاری، رقابت و تعارض با یکدیگر قرار می گیرند. تئوری «همگرایی» که ناظر به یک نوع همکاری و همیاری اقتصادی و سیاسی برای رسیدن به یک هدف مشترک می باشد عبارت از فرایندی است که طی آن واحدهای سیاسی به صورت داوطلبانه از اعمال اقتدار تام خویش برای رسیدن به هدف های مشترک صرف نظر کرده، از یک قدرت فوق ملی پیروی می کنند (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۴).

نظریه های همگرایی در حقیقت واکنشی به همگرایی در اروپا بود. با تشکیل جامعه ذغال و فولاد^۱ (۱۹۵۲) شاهد نظریه هایی هستیم که سعی می کنند این فرایند را در منطقه اروپای غربی تبیین کنند.

^۱ European Coal and Steel Community

مسئله عمده ای که در فرایند همگرایی میان واحدهای سیاسی مختلف مطرح می شود، توجه به اصل حاکمیت و قدرت است؛ زیرا ممکن نیست در یک سلسله گروه بندی های منطقه ای، کوچکترین خدشه ای بر هویت دولتها وارد نشود. انگیزه اصلی دولتها برای چنین همکاریهای نزدیکی، دسترسی آنها به منافع و امکاناتی است که قبل از ورود به فرایند همگرایی، دست یافتن به آن برایشان غیرممکن بود (قوم، ۱۳۸۸). در همگرایی تلاش بر این است که از عوامل اختلاف زا و زمینه های ناسیونالیستی، پابندی به منافع ملی، مرزهای جغرافیایی و حتی حاکمیت مطلق کشورهای یک منطقه، به نفع اهداف جمعی و مشترک، کاسته شود و از طریق گسترش همکاریهای فنی و تکنیکی، اقتصادی و تجاری، عقیدتی و فرهنگی و حتی سیاسی به ایجاد صلح و آرامش در منطقه و نهایتاً در سطح جهان کمک گردد. در اغلب موارد، از همگرایی به عنوان شیوه ای برای حل و فصل درگیری های منطقه ای و بین المللی یاد شده است که طی آن بتدریج همه واحدهای سیاسی را در بر می گیرد و در بلندمدت باعث بسط و گسترش "جهانی شدن" می شود (کریمی، ۱۳۸۹). عدم عضویت بریتانیا موجب تنشهای دایمی برای این اتحادیه شده است. این اتحادیه، اهداف راهبردی خود را همگرایی، توسعه، وابستگی متقابل و یکپارچه سازی مالی، دفاعی، حقوقی و بخصوص اقتصادی اعلام نموده است؛ اما آنچه ما امروز شاهد آن هستیم، تخریب روند همگرایی و وابستگی متقابل اروپایی حتی با تشکیل نهادهای مختلف برای اجرایی نمودن آن است. زندگی برای مردم در قالب سیاستهای بسته ریاضت اقتصادی بسیار سخت شده است و این نشان از آن دارد که اصول واگرایی در این نهاد منطقه ای، رو به تکوین است؛ بویژه بحران ورشکستگی یونان و ناامیدی رهبران و افکار عمومی این کشور به سیاستها و خط مشی اعلام شده توسط رهبران اتحادیه اروپا بخصوص اعضای منطقه یورو و سرایت آن به ایرلند، پرتغال، اسپانیا و اعتراضات گسترده عمومی روزافزون مردمی در انگلستان، فرانسه و ایتالیا نسبت به بحران مالی، بیکاری، کاهش قدرت خرید و تأمین اجتماعی که به هیچ وجه مورد رضایت نیست و غیرقابل باور برای جامعه اروپایی می باشد. براین اساس برگزیت، جایگاه مالی انگلیس و پایتختی مالی لندن در جهان را احتمالاً به خطر خواهد انداخت.

گفتار سوم- پیامدهای خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا

بند اول- پیامدهای اقتصادی

درست یک روز پس از همه پرسی برگزیت، شاخص داو جونز^۱ ۶۱۰.۳۲ واحد سقوط کرد. بازار ارز نیز دچار آشفتگی شد. یورو با ۲ درصد کاهش به ۱.۱۱ دلار رسید. پوند انگلیس نیز سقوط کرد. هر دوی این حوادث ارزش دلار را افزایش دادند. به گفته برخی کارشناسان این قدرت نسبی، برای سهام های بورس ایالات متحده خوب نیست. چرا که این مسئله سهام شرکتهای آمریکایی را برای سرمایه گذاران خارجی گران می کند. در نتیجه این امر قیمت طلا با افزایش ۶ درصدی از ۱۲۵۵ دلار به ۱۳۳۳ دلار رسید. از سویی دیگر، پوند ضعیف موجب گران شدن صادرات ایالات متحده آمریکا به بریتانیا می شود. این مسئله بر بخش کشاورزی و تولیدات صنعتی آمریکا اثر گذار است. بریتانیا چهارمین بازار صادراتی آمریکا است. نکته ای که در این میان حائز اهمیت است این است که ایالات متحده بزرگترین سرمایه گذار خارجی در بریتانیا است. شرکتهای آمریکایی بیش از ۵۸۸ میلیارد دلار در این کشور سرمایه گذاری کرده اند و بیش از یک میلیون نفر را استخدام کرده اند. بسیاری از این شرکتها برای محافظت در مقابل یک برگزیت سخت و یا بدون توافق شعبات زیادی را در سراسر اروپا افتتاح کرده اند. سرمایه گذاری انگلیس در آمریکا نیز تقریباً در همین سطح است. این مسئله می تواند بر دو میلیون شغل در هر دو کشور آمریکا و بریتانیا اثر گذارد. البته این مسئله دارای ابهاماتی است که خود این سایه ابهام موجب کاهش رشد می شود. منتقدان برگزیت با توجه به تأثیراتی که در خصوص اقتصاد آمریکا و انگلیس به آن اشاره شد، این رفتارندوم را به عنوان رأیی علیه جهانی سازی تلقی می کنند (آمایدو، ۲۰۱۹). در حقیقت، اثرات منفی برگزیت که متوجه اتحادیه اروپا و بریتانیا است می تواند دامن گیر شرکت های آمریکایی نیز بشود. اکثر شرکتها برنامه هایی را به تعویق انداخته اند و یا شروع به توسعه برنامه های اضطراری کرده اند که سناریوهای بالقوه را مرتفع می کند. آنچه باعث ایجاد ریسک و نگرانی داشتن سرمایه گذاری می شود این است که وضوح کمی درباره اینکه چه کسی مذاکرات را رهبری می کند و این مذاکرات چه شکلی خواهد بود، وجود دارد. برای شرکتهای آمریکایی که در اروپا حضور فعالی دارند ممکن است نزدیک به سه سال طول بکشد تا در خصوص

شرایط موجود تصمیم درستی بگیرند. در خصوص تجارت جهانی، نامشخص بودن مذاکرات برگزیت موجب کاهش سرمایه گذاری در بریتانیا می شود و احتمالاً این امر به سراسر اقتصاد جهانی از جمله اقتصاد آمریکا نیز تسری پیدا خواهد کرد. برخی کارشناسان معتقدند که شرکتهای آمریکایی با کارخانه های انگلستان که وارد اتحادیه اروپا می شوند و محصولاتی را در آنجا می فروشند، به طور موقت از یک مزیت نسبی برخوردار خواهند بود. اما مسئله این است که طبق آنچه گفته شد این مزیت، به وسیله هزینه واردات، تعرفه ها و عوارض جبران می شود (میوراد، ۲۰۱۷). البته این امکان نیز وجود دارد که پس از برگزیت کشورهای اتحادیه اروپا و بریتانیا به یک راه حل جدید برای مبادله کالاها، خدمات و اداره زنجیره تولید دست یابند که در این صورت کارخانه ها و تولیدکنندگان از این فرصت برای ساخت یک سیستم کارآمدتر و مقاومتر استفاده خواهند کرد. یکی از مشکلات اصلی در خصوص برگزیت این است که هنوز مشخص نیست که بریتانیا به دنبال یک برگزیت نرم است که به وسیله آن اکثر منافع حضور در اتحادیه اروپا را دارا باشد و صرفاً از برخی مسائل چون قوانین مهاجرت جلوگیری کند و یا این که به دنبال یک برگزیت سخت و بدون توافق است که ضمن این که کشور را از منافع حضور در اتحادیه دور می کند، بیشترین تأثیر را نیز بر اقتصاد جهانی و کشورهایی چون آمریکا می گذارد (کریفت، ۲۰۱۹). در خصوص نرخ بهره، برگزیت به طور واضحی ارزش دلار را در مقابل سایر ارزهای مبادلاتی بالا خواهد برد. نرخ بهره و ارزش دلار به یکدیگر وابستهاند. به طوری که در صورت تغییر یکی، دیگری نیز به نسبت خاصی تغییر خواهد کرد. در خصوص برگزیت، تغییرات ارز قابل توجه بوده است. دلار در حدود ۱۰ درصد تا ۱۵ درصد قدرت خرید بیشتری در مقابل پوند به دست آورده است. اگر پوند بیش از این کاهش یابد، این میتواند باعث تقویت دلار آمریکا شود. تأثیر افزایش ارزش دلار بر اقتصاد آمریکا، مشابه آن است که فدرال رزرو، نرخ بهره را بالا ببرد. از سویی دیگر، دولت بریتانیا در حال استفاده از نوع خاصی سیستم مالیاتی رقابتی است که این امر میتواند مانع از خروج شرکتهای آمریکایی از این کشور شود و روابط تجاری دو کشور را تحکیم کند. مسئله دیگری که در این خصوص حائز اهمیت است، تأثیر برگزیت بر بخش مسکن در آمریکا است. کارشناسان معتقدند در شرایطی که آمریکا برای حمایت از یک برگزیت بدون توافق آماده می شوند. حتی در بدترین شرایط نیز این مسئله باعث رکود در آمریکا نمی شود. هر چند شوکهای اقتصادی دیگر در کنار یک برگزیت بدون توافق ممکن است موجب رکود در سال ۲۰۲۰ شود. به طور کلی برگزیت تأثیر کمی بر قیمت مسکن خواهد داشت (ولت، ۲۰۱۹).

بند دوم- پیامدهای سیاسی

در پی دیدار جان بولتون، مشاور امنیت ملی سابق آمریکا، با مقامات بریتانیا، برخی کارشناسان بر این باورند وی که به دنبال تغییر حکومت در ایران، کوبا و ونزوئلا است و همچنین از طرفداران دخالت نظامی در افغانستان و لیبی بوده است؛ در حقیقت، برای امضای توافقنامه تجاری به انگلستان نیامده است. بلکه می خواهد از بریتانیا در راستای اهداف کشورش سوء استفاده کند. علی رغم برکنار شدن وی که معروف به جنگ طلبی و نادیده انگاشتن توافق های بین المللی چون برجام است، به نظر می رسد سیاست ایالات متحده آمریکا در خصوص برگزیت تغییر محسوسی نداشته باشد. آمریکا در خصوص حمایت از برگزیت به دنبال اهداف متعددی است. یکی از این اهداف تضعیف اتحادیه اروپا است. چرا که اتحادیه اروپا که در گذشته در کنار آمریکا و در مقابل شوروی نقش ایفا می کرد، اکنون در شرف تبدیل شدن به یک رقیب اقتصادی برای آمریکا است. با توجه به مخالفت دونالد ترامپ با دکترین دفاعی امانوئل مکرون برای تشکیل ارتش مستقل اروپایی به طوری که این قاره بتواند از خود در مقابل تهدیدات، مستقلا دفاع کند، که در قالب متهم کردن وی به اعمال سیاستهای جنگ طلبانه شبیه به آلمان در جنگهای جهانی اول و دوم تجلی یافت (باینس، ۲۰۱۹). جلب حمایت بریتانیا برای این کشور از اهمیت بالایی برخوردار است. از سویی دیگر احتمالا آمریکا به دنبال هم سو کردن نخست وزیر بریتانیا و دومینیک راب، وزیر خارجه این کشور، در خصوص سیاستهای فشار بر ایران است. چیزی که در خصوص پیوستن بریتانیا به ائتلاف خلیج فارس و اعزام سومین ناو جنگی بریتانیا به منطقه نیز مشاهده شد. همچنین دیدار نخست وزیر رژیم صهیونیستی با همتای بریتانیایی خود در همین چارچوب قابل تحلیل است. چرا که طبق گزارشات، یکی از محورهای اساسی صحبت های بوریس جانسون و نتانیاهو مسئله سازش میان طرف های فلسطینی و اسرائیلی و همچنین جدیت طرفین برای مقابله با ایران بوده است. نتانیاهو قبل از سفر به لندن در مورد گام سوم در جهت کاهش تعهد ها اشاره کرده بود که رژیم صهیونیستی شاهد نقض عهد ایران در زمینه اشاعه هسته ای است و ادامه فعالیت های ستیزه جویانه ایران برای حمله به این رژیم است (فارس، ۱۳۹۸). بر این اساس آمریکا امیدوار است که بتواند به وسیله حضور بیشتر بریتانیا در منطقه غرب آسیا از منافع رژیم صهیونیستی در این منطقه دفاع کند. از سوی دیگر آمریکا در شرایط جنگ تجاری با پکن و خصوصا شرکت تجاری هوآوی^۱ است.

طبیعی است که در چنین شرایطی آمریکایی ها به دنبال استفاده از دوستان انگلیسی خود در این مورد باشند. نباید اهمیت خروج ایالات متحده آمریکا از پیمان منع گسترش تسلیحات هسته ای میان برد را از یاد برد. با توجه به سخنان جان بولتون در مورد نقش مهم بریتانیا در ناتو، آمریکاییها به دنبال جلب حمایت بیقید و شرط بریتانیا در مسابقه تسلیحاتی با روسیه و چین هستند (تیسدل، ۲۰۱۹). به طور کلی یکی از دلایل اصلی خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا این است که این اتحادیه به شکل مانعی برای حضور جهانی بریتانیا به عنوان قدرتی بزرگ ایفای نقش میکند. بر همین اساس دولت انگلستان تلاش می کند که با خروج از اتحادیه اروپا بتواند فعالیتهای استعماری خویش در سراسر دنیا، خصوصا منطقه غرب آسیا را از سر گیرد. در همین خصوص گاوین ویلیامسون، وزیر دفاع وقت انگلستان در مصاحبه ای با دیلی تلگراف در دی ماه ۱۳۹۷ گفته است: «پس از برگزیت پایگاه های نظامی جدیدی در سراسر جهان از جمله منطقه خلیج فارس ایجاد خواهد شد. سیاست دهه ۶۰ میلادی برای خروج از مناطق شرق سوئز از بین رفته است و انگلستان فرصت "بازیابی" نقش خود در عرصه جهانی را مغتنم می شمارد و مردم انگلیس باید نسبت به آینده مان خوشبین تر باشند.» (ویلیامسون، ۲۰۱۸). با توجه به این مسئله و نفوذ گفتمان فرا آتلانتیک گرایی در سیاست خارجی بریتانیا، حضور مجدد این کشور پس از سالها در منطقه غرب آسیا عمدتا در جهت همکاری با ایالات متحده خواهد بود.

گفتار چهارم- برگزیت و مسئولیت مدنی

بند اول- برگزیت و مسئولیت مدنی کشورهای عضو معاهدات

از اولین آثاری که جدایی بریتانیا از اتحادیه اروپا ایجاد می کند موافقتنامه و معاهداتی است که میان اتحادیه اروپا و بریتانیا و کشورهای ثالث و سازمانهای بین المللی منعقد شده است. در حقوق اتحادیه اروپا موافقتنامه های منعقد شده در حیطه این سازمان به سه دسته موافقتنامه های بین المللی دول عضو و کشورهای ثالث، موافقت نامه های بین المللی اتحادیه اروپا و کشورهای ثالث؛ و موافقت نامه های بین المللی مشترک دول عضو و اتحادیه با کشورهای ثالث تقسیم بندی می شوند: (کدخدایی، ۱۳۸۰). در خصوص معاهداتی که از سوی دول عضو به تنهایی با کشورهای ثالث منعقد می شود با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا موضوع مهمی رخ نمی دهد، زیرا هر کشوری در حدود حاکمیت خویش حق انعقاد معاهده و ایفای تعهدات آن را دارد. درخصوص دسته دوم معاهدات که تنها میان اتحادیه اروپا و

کشورهای ثالث منعقد می شود دو نظر حاکم است که برخی خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا را زمان توقف آثار این معاهدات برای این کشور می دانند و در سمت مقابل برخی کارشناسان بر این نظرند که همان گونه که اتحادیه اروپا اختیار انعقاد معاهده از سوی دولتهای عضو اتحادیه را دارد پس با خروج یک عضو همچنان می تواند تحت شرایط خاص جانشین تعهدات عضو خارج شده باشد و معاهده برای عضو خارج شده دارای آثار خواهد بود. اما به نظر می آید که نظر اول که بر توقف و خاتمه آثار معاهده برای بریتانیا تکیه دارد، دیدگاه بهتری است، زیرا ماده ۲۱۶ معاهده عملکرد اتحادیه اروپا مقرر می دارد که معاهده منعقد از سوی اتحادیه اروپا تنها برای نهادها و اعضای اتحادیه لازم الاجراست. پس با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا دیگر اجرای معاهده مذکور برای دولت بریتانیا محلی از اعراب ندارد (اجیتلک، ۲۰۱۶). در معاهدات دسته سوم که به صورت مشترک از سوی دول عضو و اتحادیه با کشورهای ثالث منعقد می شود برخلاف معاهده مورد پیشین دولت متقاضی در انعقاد این معاهدات نقش دارد. این نوع از معاهدات اغلب دارای بندی است که طبق آن معاهده منعقد شده در تمام اتحادیه اروپا و سرزمین کشور طرف معاهده اجرا می شود. هنگامی که بریتانیا از اتحادیه اروپا جدا شود دیگر چنین معاهداتی که دارای بند مذکورند اجرا نمی شوند. ماده ۲۹ کنوانسیون وین درخصوص حقوق معاهدات بیان می دارد که: به استثنای مواردی که از معاهده یا از طرق دیگر قصد دیگری استنباط شود، معاهده برای هر طرف در تمام قلمرو وی تعهدآور است که با جدایی بریتانیا عملاً این تعهد از بریتانیا برداشته می شود (اجیتلک، ۲۰۱۶).

بند دوم- برگزیت و مسئولیت مدنی در امور بین الملل اقتصادی

از حیث آثار حقوق اقتصادی خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا ابتدا باید به ماهیت اتحادیه اروپا از حیث اقتصادی توجه کرد. اتحادیه اروپا از حیث همگرایی اقتصادی اتحادیه گمرکی است که بر این اساس مقررات گمرکی و دیگر موانع بر سر راه تجارت بین اعضا را حذف و تعرفه های گمرکی مشترکی را در مقابل کشورهای غیرعضو اتخاذ کرده است. این اتحادیه دارای یک سیاست مشترک تجاری است از این رو موافقت نامه های تجاری دول عضو در قالب این سیاست و اتحادیه گمرکی منعقد می شوند. با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا این کشور می تواند خارج از سیاستهای اقتصادی اروپا تصمیم گیری کند. بریتانیا از مزایای تجارت ترجیحی در اتحادیه گمرکی و موافقتنامه های تجارت آزاد درون اروپا نمی تواند بهره ای ببرد. با این اوصاف از کالاهای بریتانیایی تعرفه های مشترک خارجی اتحادیه اروپا

دریافت خواهند شد و این تعرفه ها شامل ۹۰ درصد از کالاهای تولید بریتانیا می شوند. این بدان معناست که بریتانیا در داخل اتحادیه اروپا مزیت رقابتی خود را تا حدود بسیاری از دست خواهد داد. براساس سیاست مشترک تجاری، اتحادیه اروپا می تواند با دولتها و نهادهای بین المللی غیرعضو موافقتنامه های تجاری منعقد کند که مهمترین آنها با سازمان جهانی تجارت منعقد شده است. بریتانیا و اتحادیه اروپا هر کدام به صورت مستقل عضو سازمان تجارت جهانی اند. دیوان دادگستری اروپایی اختیارات قانونی اتحادیه را در سازمان تجارت جهانی در پاسخ به ادعای کمیسیون اروپا که بیان می داشت اتحادیه دارای صلاحیت گسترده در انعقاد موافقت نامه های تجاری با سازمان تجارت جهان است این چنین رد می کند که حوزه صلاحیت اتحادیه اروپا طبق سیاست مشترک تجاری فقط در حوزه تجارت کالا است و شامل حوزه تجارت خدمات مالکیت فکری و سرمایه گذاری نمی شود و خارج از صلاحیت مشترک اتحادیه اروپا و اعضای اتحادیه اروپا است. در این صورت اتحادیه و اعضایش در بخشی از مقررات سازمان تجارت جهان که دارای صلاحیت است مسئولیت دارند و از مزایای آن منتفع می شوند و دولتها در سایر حوزه های سازمان تجارت جهانی به صورت مستقل از حقوق و تکالیف برخوردارند (حقوق بین امللی آکسفورد، ۲۰۱۶). با این اوصاف تمام اختیارات اتحادیه اروپا درخصوص روابط بین الملل اقتصادی بریتانیا با سازمان تجارت جهانی متوقف می شود و بریتانیا نیز روابط مستقل خویش را با سازمان تجارت جهانی ادامه خواهد داد و روابط بریتانیا با سایر دولتهای اتحادیه اروپا که عضو موافقتنامه های تجارت جهانی اتحادیه اند طبق مقررات سازمان تجارت جهانی ادامه خواهد یافت. این مدل به ایجاد رابطه ای منجر خواهد شد که اتحادیه در حال حاضر با کشورهای چون روسیه و برزیل دارد. عضویت بریتانیا در سازمان تجارت جهانی همچنان ادامه دارد زیرا این کشور از اعضای مؤسس اصلی سازمان تجارت بوده است. درخصوص موافقتنامه های تجارت آزاد که میان اتحادیه اروپا و کشورهای غیرعضو اتحادیه منعقد می شود بریتانیا از قالب اتحادیه اروپا خارج می شود اما با توجه به رفتار متقابل که در اغلب موافقتنامه های تجارت است می تواند با خروج از اتحادیه اروپا نیز عضویت خود را در این موافقتنامه ها ادامه بدهد با این شرط که طرف های این موافقتنامه اعتراضی در این خصوص نکنند. یا اینکه بریتانیا در جهت موافقتنامه های جدید تجارت آزاد با سایر کشورها مذاکرات مستقل را آغاز کند. با این اوصاف هرچند تجارت برای بریتانیا ادامه خواهد یافت اما ممکن است در شرایط بدتری صورت گیرد و می تواند با یکی از سه مدل زیر فعالیتهای تجاری خویش را ادامه دهد:

۱- مدل نروژی: در این مدل، بریتانیا اتحادیه اروپا را ترک می کند اما به منطقه اقتصادی اروپا یا EEA و ائتلاف تجارت آزاد اروپا یا EFTA می پیوندد. در چنین حالتی انگلستان وضعیتی مانند ایسلند، لیختن اشتاین و نروژ خواهد یافت. در این حالت انگلستان اصل جابه جایی آزاد کالاها، خدمات، نیروی کار و سرمایه را می پذیرد و در عوض آن به بازار واحد اروپا دسترسی خواهد داشت.

۲- مدل سوئیسی: در این حالت انگلستان اتحادیه اروپا را ترک می کند و به ائتلاف تجارت آزاد اروپا می پیوندد اما به منطقه اقتصادی اروپا نمی پیوندد. در این حالت بریتانیا همانند سوئیس یک سری مذاکرات دوجانبه را با اتحادیه اروپا انجام خواهد داد تا برخی دسترسی ها به بازار آزاد را حفظ کند.

۳- مدل ترکیه ای کانادایی: در این حالت بریتانیا به طور کامل از اتحادیه اروپا و بازار واحد اروپا خارج می شود و روابط آن با کشورهای عضو اتحادیه اروپا مبتنی بر قواعد سازمان تجارت جهانی خواهد بود. البته در این سناریو این امکان نیز وجود دارد که یک معاهده تجارت آزاد بین انگلستان و اتحادیه اروپا منعقد شود (چنین وضعیتی در حال حاضر درخصوص کانادا وجود دارد) یا اینکه بریتانیا به اتحادیه گمرکی اروپا بپیوندد مانند وضعیتی که در حال حاضر در ترکیه وجود دارد (اجیتلک، ۲۰۱۶).

بند سوم- برگزیت و مسئولیت مدنی در حقوق بشر

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۱ یک معاهده بین المللی برای حفاظت از حقوق بشر و آزادی های اساسی در اروپاست که در سال ۱۹۵۰ پیش نویس آن از سوی نهاد نویند شورای اروپا تهیه و در سوم سپتامبر ۱۹۵۳ لازمالاجرا شد. بریتانیا و تمام دولتهای عضو اتحادیه اروپا در این نهاد عضویت دارند اما اتحادیه اروپا در آن عضویت مستقل ندارد پس حتی جدایی بریتانیا از اتحادیه اروپا تأثیری در روابط بریتانیا با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و دادگاه اروپایی حقوق بشر ندارد.

بند چهارم- برگزیت و مسئولیت مدنی در حقوق مهاجرت

مهاجرت یکی از موضوعات مهم است که طرفداران و مخالفان خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا از آن

^۱ European Convention

همیشه سخن گفته اند و موافقان برای کنترل مهاجرت، خروج از این اتحادیه را ضروری می دانند و آن را برابر با افزایش نظارت بر مرزهای کشورشان تفسیر کرده اند. در حوزه گردشگری خروج بریتانیا می تواند در صنعت توریسم این کشور اثر منفی بگذارد. در حوزه مهاجرت دو بخش مهاجرت اتباع اعضای اتحادیه و مهاجرت اتباع غیراعضای سازمان مطالعه می شود. یکی از اصول چهارگانه حاکم بر قواعد در اتحادیه اروپا آزادی آمد و شد شهروندان اروپایی در سراسر قلمرو اتحادیه است، اما این آزادی می تواند محدودیت هایی را همراه داشته باشد. اتحادیه اروپا به همین منظور دستورالعملی را برای شهروندان اروپایی در نظر گرفته است. بر این اساس شهروندان اروپایی و خانواده شان در مرتبه نخست می توانند برای سه ماه بدون گذرنامه و هر کارت هویتی به کشورهای عضو اتحادیه سفر کنند بدون اینکه از مزایای حقوق اجتماعی آن کشور بهره ببرند (دایرکنیو، ۲۰۰۴). با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا همچنان آزادی آمد و شد در بریتانیا ذیل مقررات جامعه اقتصادی اروپا می تواند میان بریتانیا و شهروندان اتحادیه اروپا ادامه داشته باشد، اما این مشروط به موافقت اتحادیه و بریتانیا خواهد بود. اگر این توافق حاصل نشد طرفین می توانند درخصوص آزادی های رفت و آمد محدودتر از قبل موافقتنامه ای را منعقد کنند. درخصوص قواعد مهاجرت و رفت و آمد غیر از اعضای اتحادیه به بریتانیا مهمترین نکته قانون دوبلین درخصوص پناهندگان و مهاجران خارج است. با خروج بریتانیا از اتحادیه نظام دوبلین در بریتانیا قابلیت اجرایی نخواهد داشت، اما بریتانیا درخصوص پناهندگان و مهاجران ذیل معاهدات بین المللی خویش همچون کنوانسیون ژنو درخصوص پناهندگان تعهدات را بر دمه خود می بیند.

بند پنجم- برگزیت و مسئولیت مدنی در امور محیط زیست

بحران محیط زیست به ویژه در زمینه تغییرات آب و هوایی، کاهش ضخامت لایه ازن، فقر و عدالت زیست محیطی، از بین رفتن تنوع زیستی، بحران انرژی و توسعه ناپایدار، چشم انداز خطرناکی را برای جامعه بین المللی به تصویر می کشد. لذا حقوق بین الملل محیط زیست در تلاش برای تحکیم و تدارک تعهدات بین المللی مشخص در این زمینه برای دولتهاست (شاو: ۱۳۹۲). اتحادیه اروپا از سازمانهای بین المللی پیشرو است، اما در قاره سبز، دولت بریتانیا، مرد کثیف و آلوده اروپا لقب گرفته، زیرا به مسائل محیط زیستی بی اهمیت بوده است. از دهه ۱۹۷۰ میلادی که بریتانیا به جامعه اروپایی ملحق شد سبلی از قواعد، مقررات و تعهدات محیط زیستی بر بریتانیا بازگشت. بنابراین، خروج بریتانیا

از اتحادیه اروپا می تواند در حقوق محیط زیست اثرگذار باشد و این برای اتحادیه ای که سردمدار مقررات سبز در دنیا شناخته می شود، مهم است. بریتانیا از حیث تعهدات در تغییرات آب و هوایی به قانون تغییرات آب و هوایی ۲۰۰۸ و طرح تجاری انتشار گازهای گلخانه ای (که بر این اساس هر شرکت یا کارخانه ای که فعالیت آن به انتشار دی اکسید کربن منجر شود، ناچار از خرید مجوز است. مجوزی که برای متقاضیاش بسیار گران تمام می شود و در نتیجه تولید و انتشار گازهای گلخانه ای خودبه خود کاهش چشمگیری خواهد یافت) پیوسته است. بریتانیا به طور مستقل تعهدات و اتحادیه اروپا نیز به نمایندگی از تمام اعضای خود توافقنامه اقلیمی پاریس را امضا و با آن موافقت کرده اند. بیشک با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا تعهدات زیست محیطی اتحادیه برای بریتانیا متوقف می شود و این موضوع از جهت موقعیت برجسته تجاری اقتصادی بریتانیا بسیار اهمیت دارد و اقتصاد کم کربن و انرژیهای تجدیدپذیر را به مخاطره می اندازد. مقررات س آل پی که درخصوص مقررات زیست محیطی محصولات شیمیایی اتحادیه وضع شده است با خروج بریتانیا از اتحادیه برای این کشور اجرایی نخواهد بود. سیاستهای دفن زباله ها در بریتانیا نیز از مقررات اتحادیه اروپا سرچشمه گرفته و اتحادیه اروپا به دنبال هدف بازیافت زباله هاست و دولتهای عضو در تولید محصولات خود و بسته بندی آنها بایستی از مقررات اتحادیه پیروی کنند که با خروج بریتانیا از اتحادیه دیگر تعهدی از این حیث برای بریتانیا نخواهد بود، اما بریتانیا پس از خروج نیز باید مقررات اتحادیه را در حوزه صادرات کالا رعایت کند (کیم، ۲۰۱۶). به هر حال خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا این کشور را در وضع و اجرای مقررات زیست محیطی آزادانه تر و خلا و فقدان قوانین زیست محیطی این موضوع را تحریک و تشدید خواهد کرد. اما از دیگر سو این موضوع واجد اهمیت است که اگر بریتانیا بخواهد بازار اقتصادی اروپا را همچنان برای خود داشته باشد باید مقررات زیست محیطی اتحادیه و قاعده بازی را در معاملات تجاری رعایت کند. سازمانهای بین المللی از زمان ایجاد در قرن نوزدهم تحولات گستردهای را پشت سر گذاشته اند که اهمیت برقراری رابطه و همکاری به منظور رسیدن به یک اجماع و اتفاق نظر بین دولتها را نشان می دهد. اتحادیه اروپا از آن سازمانهایی است که میان دولتها اتحاد خوبی ایجاد کرده و برای دستیابی به وحدت سیاسی اقتصادی و پولی تلاشهای بسیاری در اتحادیه صورت گرفته است. وحدت در اتحادیه و توسعه روزافزون آن موجب شده بود که انعقاد معاهده لیسبون هی مقرره های را برای خروج اعضا از اتحادیه پیشبینی نکند، اما همانطور که همگرایی دارای فرایند است، واگرایی نیز در مقابل فرایند خاص خود را دارد که با بیان اهداف و منافع متعارض

آغاز می شود. بریتانیا اولین کشوری است که در اتحادیه اروپا با برگزاری همپرسی خروج از اتحادیه را کلید زد و موقعیت و سابقه تاریخی این کشور اهمیت خروج از اتحادیه را دوچندان می کند. همه این موارد ضرورت آینده پژوهی را در این زمینه ایجاب می کند.

نتیجه گیری

این مقاله با هدف بررسی مسئولیت مدنی دولت انگلستان در صورت خروج از اتحادیه اروپا در پرتو مصوبات اتحادیه اروپا صورت گرفت. انگلیسی ها همواره سعی کرده اند خود را تافته ی جداافتاده ای از دیگر کشورهای اروپائی به حساب بیاورند و حتی این کشور یکی از سرسخت ترین کشورها در مخالفت با همگرایی و تشکیل اتحادیه و بعدها فدراسیون اروپائی بود؛ مسأله ای که با رای منفی این کشور با اعلامیه تاسیس جامعه زغال و فولاد محرز است. می توان گفت از لحاظ مسئولیت های مدنی دولت انگلستان در صورت خروج از اتحادیه اروپا موارد زیر شامل می گردد:

الف- در خصوص معاهداتی که از سوی دول عضو به تنهایی با کشورهای ثالث منعقد می شود با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا موضوع مهمی رخ نمی دهد، زیرا هر کشوری در حدود حاکمیت خویش حق انعقاد معاهده و ایفای تعهدات آن را دارد. درخصوص دسته دوم معاهدات که تنها میان اتحادیه اروپا و کشورهای ثالث منعقد می شود دو نظر حاکم است که برخی خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا را زمان توقف آثار این معاهدات برای این کشور می دانند و در سمت مقابل برخی کارشناسان بر این نظرند که همان گونه که اتحادیه اروپا اختیار انعقاد معاهده از سوی دولتهای عضو اتحادیه را دارد پس با خروج یک عضو همچنان می تواند تحت شرایط خاص جانشین تعهدات عضو خارج شده باشد و معاهده برای عضو خارج شده دارای آثار خواهد بود. در معاهدات دسته سوم که به صورت مشترک از سوی دول عضو و اتحادیه با کشورهای ثالث منعقد می شود برخلاف معاهده مورد پیشین دولت متقاضی در انعقاد این معاهدات نقش دارد.

ب- از حیث آثار حقوق اقتصادی خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا این کشور می تواند خارج از سیاستهای اقتصادی اروپا تصمیم گیری کند. براساس سیاست مشترک تجاری، اتحادیه اروپا می تواند با دولتها و نهادهای بین المللی غیرعضو موافقتنامه های تجاری منعقد کند که مهمترین آنها با سازمان جهانی تجارت منعقد شده است.

ج- بریتانیا و تمام دولتهای عضو اتحادیه اروپا در این نهاد عضویت دارند اما اتحادیه اروپا در آن عضویت مستقل ندارد پس حتی جدایی بریتانیا از اتحادیه اروپا تأثیری در روابط بریتانیا با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و دادگاه اروپایی حقوق بشر ندارد.

د- در حوزه گردشگری خروج بریتانیا می تواند در صنعت توریسم این کشور اثر منفی بگذارد. یکی از اصول چهارگانه حاکم بر قواعد در اتحادیه اروپا آزادی آمد و شد شهروندان اروپایی در سراسر قلمرو اتحادیه است، اما این آزادی می تواند محدودیت هایی را همراه داشته باشد. با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا همچنان آزادی آمد و شد در بریتانیا ذیل مقررات جامعه اقتصادی اروپا می تواند میان بریتانیا و شهروندان اتحادیه اروپا ادامه داشته باشد، اما این مشروط به موافقت اتحادیه و بریتانیا خواهد بود. اگر این توافق حاصل نشد طرفین می توانند درخصوص آزادی های رفت و آمد محدودتر از قبل موافقتنامه ای را منعقد کنند

ه- در قاره سبز، دولت بریتانیا، مرد کثیف و آلوده اروپا لقب گرفته، زیرا به مسائل محیط زیستی بی اهمیت بوده است. خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا می تواند در حقوق محیط زیست اثرگذار باشد و این برای اتحادیه ای که سردمدار مقررات سبز در دنیا شناخته می شود، مهم است.

منابع و مآخذ

- جعفری علی اکبر (۱۳۸۶)، نظریه نئورئالیسم واتحاد استراتژیک میان آمریکا - اسرائیل، حقوق و علوم سیاسی، ۲(۶)، ۳۲-۴۵.
- حاتم زاده، عزیزاله و نورعلی وند، یاسر (۱۳۹۷)، روابط فرآتلاتیک پس از برگزیت و ترامپ؛ پیامدها برای ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۱(۳)، ۲۹-۴۲.
- حافظ نیا، محمد رضا؛ مختاری هشی، حسین و رکن الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۹۱)، بررسی چالش های جغرافیای سیاسی در همگرایی منطقه ای: مطالعه موردی سازمان همکاری های اقتصادی اکو. فصلنامه ژئوپولیتیک، ۸(۱)، ۱-۴۰.
- رمضانپور، علی اصغر (۱۳۹۵)، چرا انگلیسیها از اتحادیه اروپا خارج شدند؟ رادیو فردا، ۱۰ تیر ماه.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۹)، روابط بین الملل: نظریه ها و رویکردها؛ تهران: انتشارات سمت
- کیانی، حسین (۱۳۹۴)، بررسی جامعه شناسی هویت، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- Aichele, Rahel, and Gabriel Felbermayr. (۲۰۱۵). "Costs and benefits of a United Kingdom exit from the European Union." Guetersloh: Bertelsmann Stiftung
- Barrett, Alan, et al. (۲۰۱۵). "Scoping the possible economic implications of Brexit on Ireland." ESRI Research series ۴۸
- Booth, Stephen, et al. (۲۰۱۵). "What if...? The consequences, challenges and opportunities faing Britain outside EU." Open Europe Report ۳.۱۵.
- Busch, Berthold, and Jürgen Matthes. (۲۰۱۶). "Brexit - the economic impact." A Meta-Analysis, IW-Report ۱۰
- Fay, Robert (۲۰۱۹), The Long-simmering Economic Issues behind Brexit, CIGI, January ۲۲.
- Friedman R. & Thiel M. (۲۰۱۲), European Identity and Culture: Narratives of Transnational Belonging, Ash gate Pub Co.